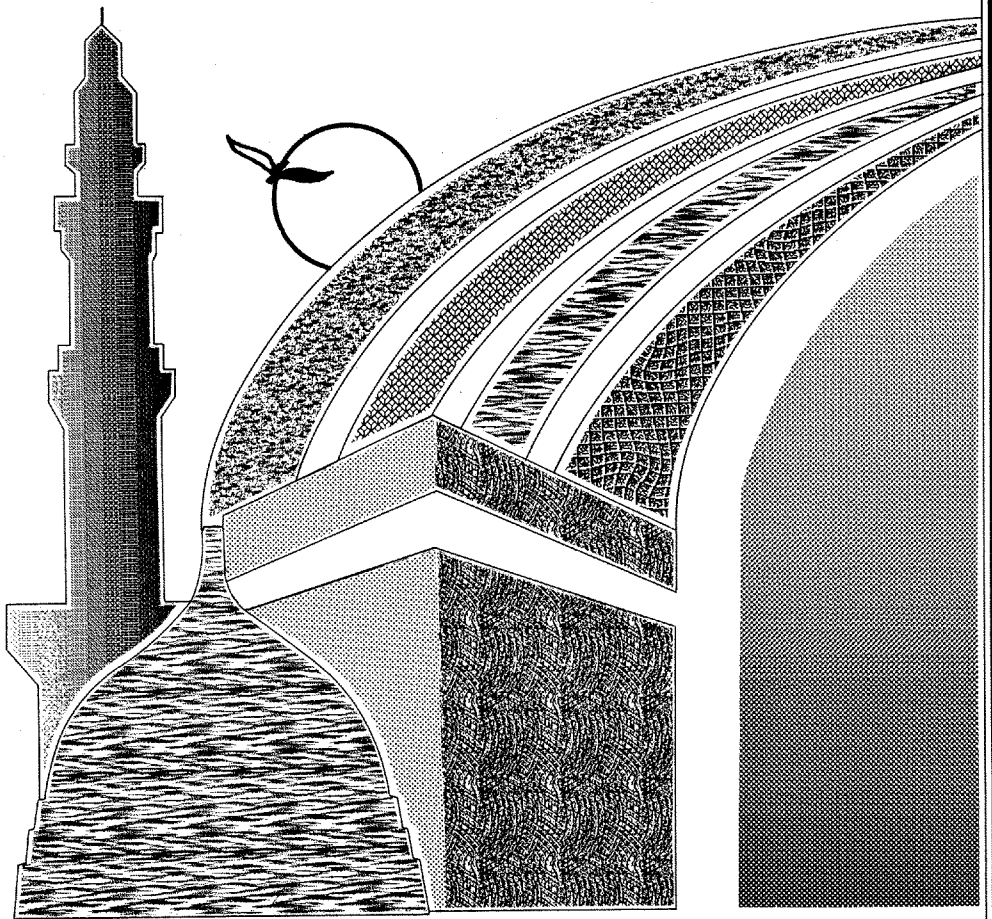
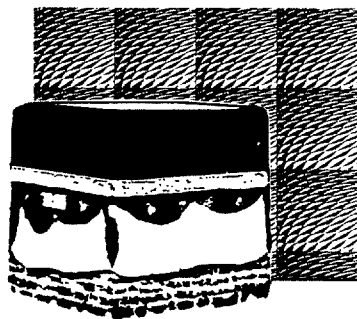


قج حج



نگاهی به وجوب عمره همراه با حج افراد و قران و...

محمد رحمانی



پیشگفتار

در شماره پیشین، مقاله‌ای درباره «وجوب عمره مفرده» آوردیم و گفتیم بر هر کسی که نسبت به آن استطاعت دارد - اگرچه نسبت به انجام حج تمتع استطاعت نداشته باشد، واجب است و نیز ادله‌ای بروجوب آن، حتی بر کسانی که از مکه دورند (نائی هستند) اقامه کردیم و اشکالاتی که بر این مدعا وارد شده، به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار گرفت و سرانجام نتیجه گرفتیم که وجوب عمره مفرده همانند وجوب حج تمتع نزدیکتر به واقع است، با این فرق که چنانچه شخصی حج تمتع را بجا آورد پس از آن عمره مفرده بر او واجب نمی‌گردد اگر چه نسبت به آن مستطیع باشد و به عکس اگر فردی عمره مفرده را انجام دهد و پس از آن برای حج تمتع استطاعت پیدا کند، انجام حج تمتع واجب است و انجام عمره مفرده کفایت از انجام حج تمتع نمی‌کند.

و اینک در این نوشتار دو موضوع مربوط به همدیگر مورد بحث قرار می‌گیرد، از این رو آن را در دو بخش می‌آوریم:

* الف: آیا کسانی که وظیفه آنها انجام حج افراد یا قران است، واجب است پس از انجام این دو (حج قران و افراد) عمره مفرده نیز بجا آورند یا این که این وجوب در بعضی از موارد است و همیشه نیست. هدف نوشته اثبات امر دوم بوده و مشتمل بر مطالب زیر است:

۱- طرح بحث ۲- پیشینه بحث ۳- اقوال فقها ۴- ادله اثبات مدعا: (الف: روایات



ب: اجماع ج: فعل نبی ﷺ د: برائت).

*ب: بحث دیگری که به دنبال بحث اول پیش می آید؛ عبارت از این است که: در مواردی که شخصی نسبت به عمره مفرده و حج قران و یا افراد استطاعت دارد، آیا لازم است ابتدا حج، سپس عمره را انجام دهد و یا این که تقدیم حج بر عمره مفرده، واجب نیست و ممکن است عمره مفرده بر حج افراد و قران مقدم گردد؟ مباحثی که در این بخش بررسی خواهد شد عبارتند از:

۱- پیشینه بحث ۲- ادله واجب نبودن تأخیر عمره (الف: روایات ب: برائت) ۳- ادله وجوب تأخیر عمره.

احرام، انجام عمره مفرده... و افعال حج
قران همانند افراد است.^۱

بخش اول:

۱- طرح بحث

بسیاری از بزرگان فقها فرموده‌اند: شخصی که وظیفه اش حج افراد و قران است باید پس از انجام آن دو، عمره مفرده بجا آورد. محقق حلی^۲ یکی از این گروه است. وی در کتاب شرایع، که لقب «قرآن فقه» را از جانب برخی از بزرگان به خود اختصاص داده، می‌نویسد:

«شکل حج افراد عبارت است از پوشیدن احرام از میقات و یا هر مکانی که احرام حج از آنجا جایز است، سپس وقوف در عرفات، وقوف در مشعر، اعمال مخصوص منا، طواف بر خانه، نماز پشت مقام، سعی میان صفا و مروه، طواف نساء و دو رکعت نماز آن. و واجب است پس از خروج از

۲- پیشینه بحث

بررسی تاریخ مباحث علمی، در فهم و درک آن علم، نقش به سزایی دارد، به ویژه مطالب فقهی در بخش عبادات، که مبتنی بر تعبد است و از طرفی تتبع در اقوال فقها به خصوص بزرگان صدر اول که نظرات آنها برگرفته از فرمایشات ائمه اطهار^۳ است که آبخور اصلی فقه می‌باشد. در فهم حکم مسأله تأثیر زیادی دارد.

از این رو پیش از آغاز بحث، کلمات صاحب نظران در این فن را بررسی می‌کنیم:

۱- شیخ صدوق (م- ۳۸۱) در دو کتاب فقهی خود تنها به تقسیم حج به «تمتع»، «قران» و «افراد» بسنده کرده و صورت حج افراد و قران را نیاورده است. او می‌نویسد:

«بدان حج سه قسم است: قران، افراد و تمتع»^۲

۲ - شیخ مفید (م - ۴۱۳) در المقنعه اگرچه صورت حج قران و افراد را بیان کرده ولی سخنی از وجوب عمره مفرده پس از آن، به میان نیاورده است. او می‌نویسد:

«اعمال حج قران عبارت است از احرام از میقات مخصوص به آن و همراه با احرام قربانی را که مقدور است، همراه می‌کند، سپس دو طواف بر پیرامون خانه و یک سعی میان صفا و مروه بجا می‌آورد... پس از این می‌فرماید: صورت اعمال حج افراد نیز چنین است»^۳.

۳ - سید مرتضی (م - ۴۳۶) در جمل‌العلم و العمل، همانند شیخ مفید مثنی می‌کند و سخنی از وجوب عمره مفرده پس از حج قران و یا افراد نمی‌آورد. او می‌فرماید:

«حج قران به این است که از میقات آن احرام ببندد و قربانی را همراه با احرام کند سپس دو طواف بر خانه و یک سعی میان صفا و مروه انجام دهد»^۴.

۴ - همو در کتاب مسائل ناصریات افزون بر این که به وجوب عمره مفرده پس از حج قران و افراد اشاره‌ای نکرده استدلال می‌کند که در حج قران و افراد، دو طواف و

یک سعی بیشتر واجب نیست و کسانی که افزون بر یک سعی را واجب می‌دانند؛ باید دلیل بیاورند. سید مرتضی می‌نویسد:

«حج قران در نظر ما عبارت است از این که با احرام هدی همراه گردد و بر او دو طواف بر خانه و یک سعی میان صفا و مروه واجب است فقط»^۵.

۵ - ابی‌صلاح حلبی (م - ۴۴۷) تصریح می‌کند که فرق میان حج تمتع با حج قران و افراد در این است که: در حج تمتع، افزون بر اعمال حج، مناسک عمره را نیز باید اضافه کند، به عکس قران و افراد. وی می‌نویسد.

«حج قران عبارت است از این که هدی را نیز همراه کند و حج افراد عبارت است از این که حج جدای از هدی و عمره باشد»^۶.

۶ - شیخ طوسی (م - ۴۶) شاید اولین فقیهی باشد که بر وجوب عمره پس از حج قران و افراد تصریح کرده است، او می‌گوید:

«شخصی که حج قران انجام می‌دهد پس از انجام اعمال آن، از احرام خارج می‌شود و بر اوست انجام عمره مفرده پس از حج قران... و کسی که حج افراد انجام می‌دهد وظیفه‌اش مناسک حج قران است مگر در همراه کردن هدی»^۷.



قران و افراد می نویسد:

«پس از انجام مناسک این دو (حج قران و افراد)، حاجی باید از مکه به سوی مسجد تنعیم و یا یکی دیگر از میقاتها خارج گردد و از آنجا محرم شود. برای انجام عمره مبتوله^{۱۱} (کنایه از عمره مفرده).»

عَلَامَةُ حَلَى (م- ۶۷۲) نیز در شرایع تصریح می کند بر این که در حج قران و افراد باید عمره مفرده انجام گیرد، ایشان پس از بیان مناسک آن دو، می فرماید:

«واجب است بر او (کسی که حج افراد انجام داده است) انجام عمره مفرده.»^{۱۲}

جمع بندی و نتیجه گیری

از کلمات فقها روشن شد که شاید اول فقیهی که تصریح کرده بر وجوب عمره مفرده پس از حج قران و افراد، شیخ طوسی^{رحمه الله} بوده است و فقهای پیش از او، با این که در مقام بیان تعریف و تبیین اجزاء حج قران و افراد بوده اند، ذکر آن از وجوب عمره مفرده پس از آن دو، به میان نیاورده اند و کسانی که (همانند محقق حلی) عمره مفرده را پس از حج افراد و قران

۷- سالار (م- ۴۶۳) در مراسم، ذکر آن از وجوب عمره، پس از حج قران و افراد نمی کند. او می گوید:

«حج قران عبارت است از احرام و همراه کردن هدی و دو طواف و یک سعی میان صفا و مروه.»^۸

قاضی ابن بزّاج (م- ۴۸۱) از فقیهانی است که تصریح می کند بر وجوب عمره، پس از انجام حج قران و افراد. او پس از شمردن اعمال حج قران می نویسد:

«لازم است پس از اعمال حج قران، عمره مفرده گزارده شود.»

سپس می فرماید:

«اعمال حج افراد مانند حج قران است.»^۹

ابن حمزه (م- ۵۸۰) نیز عمره را پس از حج قران و افراد لازم می داند. ایشان پس از تقسیم عمره به آنچه که پیش از حج واجب و پس از حج واجب به جا آورده می شود، می نویسد:

«عمره ای که پس از اعمال حج واجب است، عمره حج قران و افراد است.»^{۱۰}

ابن ادریس (م- ۵۹۸) در اعمال حج

طوسی^{۱۴} در مبسوط است که پیش از این گذشت.

۲ - واجب نبودن عمره مفرده؛ جز در صورتی که همزمان با حج برای آن نیز استطاعت داشته باشد، از جمله کسانی که بر این باورند می‌توان از آیه‌الله گلپایگانی نام برد. ایشان می‌نویسند:

«کسی که حج افراد انجام می‌دهد، عمره مفرده می‌گذارد. اگر پیش از انجام حج آن را انجام ندهد و اگر بر عمره مفرده استطاعت نداشته باشد و یا نذر نیز واجب نشده باشد انجام آن پس از حج افراد واجب نیست.»^{۱۵}

صاحب جواهر در شرح کلام محقق حلّی، که معتقد بود: پس از حج افراد باید عمره مفرده گزارده شود می‌نویسد:

«انجام عمره مفرده، بر مکلفی که حج افراد انجام می‌دهد در صورتی واجب است که عمره بر او واجب شده باشد.»^{۱۶}

علامه حلّی در این باره می‌نویسد:

«اگر شخصی برای حج افراد استطاعت پیدا کند و برای عمره آن استطاعت نداشته باشد تنها حج واجب است، بنابراین قول اقرب.»^{۱۷}

واجب دانسته‌اند نیز بیان نکرده‌اند که انجام آن جزئی از اعمال حج افراد و قران است و یا واجب مستقل می‌باشد.

۳ - اقوال فقها

در این بخش با نقل نظریات فقها و نقل اختلاف گفتارها، بررسی خواهیم کرد که:

آیا عمره مفرده همیشه پس از حج افراد و قران واجب است یا تنها در زمانی واجب است که همزمان با استطاعت بر حج قران و افراد، برای عمره مفرده نیز مستطیح شده؟

و اگر به هنگام انجام حج قران و افراد، عمره مفرده واجب نباشد، مانند این که: از پیش عمره مفرده را به جا آورده باشد و یا وجوب حج از باب نذر بوده و عمره مفرده متعلق نذر نبوده است. در این موارد: آیا به دنبال حج قران و افراد، باید عمره مفرده نیز آورده شود؟ در این زمینه میان فقها اختلاف وجود دارد و نظریات گوناگونی ارائه داده‌اند:

۱ - نظریه وجوب عمره؛ از ظاهر عبارت برخی از بزرگان فقها، برداشت می‌شود که عمره مفرده واجب است. از باب نمونه، کلام علامه حلّی در شرایع^{۱۳} و شیخ



۴ - ادلة مدعا

ممکن است برای اثبات این مدعا که «عمره مفرده همیشه پس از حج قران و افراد واجب نیست» به ادله‌ای تمسک گردد، آنها را در سه بخش بررسی می‌کنیم:

الف: روایات

روایات فراوانی وجود دارد که عمره مفرده از جهاتی مانند حج است؛ از جمله آن جهات شرایط استطاعت، فوریت و مقدار وجوب است. و بی‌شک (در جای خودش) به دلیلهای گوناگون؛ از جمله اجماع، سیره و روایات^{۱۸} ثابت شده است که حج در عمر هر انسانی یک بار بیشتر واجب نیست. بنابر این اگر کسی پیش از حج قران و افراد، عمره مفرده را انجام دهد و استطاعت نسبت به آن ندارد، نباید بر او واجب باشد و اما روایاتی که دلالت دارد عمره مفرده همانند حج است فراوان است؛ از جمله صحیح زراره است که از ابی‌جعفر، امام باقر علیه السلام در حدیثی آورده که فرمود:

«العمره واجبة على الخلق بمنزلة الحج لأن الله تعالى يقول: ﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾»^{۱۹}

«عمره بر انسانها واجب است، همانند حج؛ زیرا خداوند می‌فرماید: حج و

عمره را برای خدا به پایان برسانید.»

صحیحه ابی‌بصیر از امام صادق علیه السلام است که فرمود:

«العمره مفروضة مثل الحج»^{۲۰}

«عمره واجب است همانند حج.»

در روایت معتبر معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید:

«العمره واجبة على الخلق بمنزلة الحج على من استطاع إليه سبيلاً، لأن الله عز وجل يقول ﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾»^{۲۱}

«عمره واجب است بر انسانها به منزله حج نسبت به کسانی که استطاعت دارند خداوند می‌فرماید: حج و عمره را برای خدا به پایان برسانید.»

از این روایات استفاده می‌شود که وجوب عمره مفرده همانند وجوب حج است یعنی همانگونه که حج در تمامی عمر بیش از یک مرتبه بر انسان واجب نیست، وجوب عمره نیز در طول عمر، تنها یک بار بر انسان واجب است. بنابر این، چنانچه بیش از حج افراد و قران، عمره مفرده را انجام داده باشد لازم نیست پس از آن دو انجام گیرد و نیز همانگونه که بی‌استطاعت حج واجب نمی‌گردد، اگر کسی حج قران

نقد و بررسی

استدلال با اجماع، بر واجب نبودن عمره مفرده پس از حج افراد و قران، بر کسی که نسبت بدان مستطیع نیست، در به نظر نمی‌رسد؛ زیرا بر فرض قبول ائتفاق تمامی فقها، این اجماع مدرکی است چنین اجماعی کاشف از قول معصوم علیه السلام نخواهد بود و از سوی دیگر ادعای اجماع در این مسأله که برخی از فقها همانند شیخ طوسی و ابن براج و دیگران مخالفت کرده‌اند و فرموده پس از حج قران و افراد عمره مفرده واجب است، نادرست خواهد بود.

ج: فعل نبی صلی الله علیه و آله

از جمله ادله، می‌تواند عمل حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله باشد؛ زیرا آن حضرت عمره مفرده را پس از اعمال حج به‌جا نیاورده است؛ زیرا عمره‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده هیچ کدام پس از حج نبوده است. و چون نسبت به عمره‌هایی که آن حضرت به‌جا آورده از جهاتی؛ مانند تعداد عمره‌ها و میقات و... اختلاف وجود دارد، مناسب است برخی از روایات را که ویژگی و خصوصیات عمره‌های آن حضرت را بیان کرده است، به دقت بررسی کنیم:

۱ - شیخ صدوق ضمن روایت مرسلی

و یا افراد انجام دهد و استطاعت نسبت به عمره مفرده نداشته باشد، نباید بر او واجب شود.

فاضل هندی در مقام بیان این که: «اگر شخصی نسبت به حج افراد مستطیع باشد نه عمره، تنها حج واجب است» می‌نویسد:

«اخبار دلالت دارد که حج تمتع سه طواف به دور خانه و دو طواف میان صفا و مروه است ولی حج قران و افراد دو طواف به دور خانه و یک طواف میان صفا و مروه است. (یعنی عمره ندارد)»^{۲۲}

ب: اجماع

بسیاری از بزرگان بر این مطلب که عمره مفرده در عمر یک بار بیشتر واجب نیست ادعای اجماع کرده‌اند؛ از جمله صاحب جواهر در مقام استدلال بر این کلام محقق حلّی، که می‌فرماید:

«شرایط وجوب عمره و مقدار واجب آن، همانند حج است» می‌نویسد:

«اجماع محصل و منقول بر این مطلب (هماهنگی عمره مفرده و حج نسبت به شرایط و مقدار واجب) اقامه شده است.»^{۲۳}



«رسول خدا سه عمره انجام داد: و تمامی آنها در ماه ذی‌القعدة بوده است.»

۳ - شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند که رسول خدا نه عمره انجام داده است:

«اعتمر رسول الله ﷺ تسع عمره»^{۲۷}
 «رسول خدا نه عمره انجام داده است.»

مرحوم مجلسی اول در روضة‌المتقین در شرح این حدیث می‌نویسد:

«ما اطلاعی از این خبر نداریم و اگر خبر صحیح باشد مراد عمره‌های پیش از هجرت است و یا آنها به ضمیمه عمره‌های پس از هجرت، و ممکن است سهو در نسخه باشد.»^{۲۸}

در هر صورت عمره‌های آن حضرت به هر تعداد که باشد، هیچکدامش پس از حج انجام نپذیرفته است، پس عمل رسول الله ﷺ می‌تواند دلیل باشد بر این که لازم نیست پس از حج قران و افراد به گونه حتم عمره مفرده انجام گیرد. البته این دلیل در صورتی صحیح است که ثابت گردد رسول الله حج قران و افراد انجام داده است، در غیر این صورت استدلال صحیح نخواهد بود.

عمره‌های پیامبر ﷺ را سه بار نقل می‌کند. او می‌نویسد:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اعتمر ثلاثَ عمرة متفرقات كلها في ذي الععدة عمرة أهل فيها من عسفان وهي عمرة الحديبية وعمرة القضا احرم فيها من الجحفة وعمرة أهل فيها من الجعرانة وهي بعد أن رجع من الطائف من غزاة حنين.»^{۲۴}

«رسول خدا سه عمره در زمانهای گوناگون انجام داد که تمامی آنها در ماه ذی‌الععدة بوده است: ۱- عمره‌ای که از محل عسفان احرام بسته که به نام عمره حدیبیه معروف است. ۲- عمره قضا که از جحفه احرام بسته. ۳- عمره‌ای که از جعرانه احرام بست و این عمره پس از مراجعت از غزوه حنین از طائف بوده است.»

این روایت گر چه مرسله است لیکن کلینی همین روایت را مستند از معاویه بن عمار نقل کرده است^{۲۵} و این سند بی‌اشکال است.

۲ - در صحیح ابان از امام صادق عليه السلام نقل شده که عمره‌های رسول الله سه تا بود:

«اعتمر رسول الله ﷺ ثلاث عمرة كلهن في ذي القعدة»^{۲۶}

اقل و اکثر ارتباطی است و برائت از وجوب اکثر جاری است. تا اینجا روشن شد که عمره مفرده پس از حج قران و افراد همیشه واجب نیست پس اگر کسی آن را قبل از حج انجام داده و یا نسبت به حج افراد و قران استطاعت دارد ولی نسبت به عمره مفرده استطاعت ندارد و یا حج قران و افراد را با نذر واجب کرده ولی عمره را واجب نکرده در تمامی این صور عمره مفرده همراه با حج افراد و قران واجب نیست. آیه الله خوبی درباره این که دلیلی بر وجوب عمره مفرده - چنانچه نسبت به آن استطاعت نداشته باشد - نیست، می نویسد:

«حج افراد و عمره مفرده دو واجب مستقل اند، بنابر این اگر نسبت به یکی از آنها استطاعت باشد همان واجب است.»^{۳۰}

جمع بندی

از آن چه گذشت روشن شد که فرمایش برخی از بزرگان فقه، همانند شیخ طوسی و علامه حلی و محقق حلی بر این که: پس از حج قران و افراد، آوردن عمره مفرده لازم است، صحیح به نظر نمی رسد. بلکه باید گفته شود واجب است عمره مفرده پس از حج افراد و قران چنانچه نسبت به

فاضل هندی در مقام شرح کلام علامه حلی که معتقد است اگر استطاعت تنها برای حج افراد باشد نه عمره مفرده، فقط حج واجب است می نویسد:

«از جمله ادله این نظر، عبارت است از این که روایات مربوط به حجة الوداع از انجام عمره مفرده ساکت است بلکه ظاهرند در انجام نپذیرفتن آن.»^{۲۹}

د: برائت

دلایلی که تا کنون برای اثبات ادعا اقامه شد اگر صحیح نباشد و تردید کنیم که آیا تمامی کسانی که حج افراد و یا قران انجام می دهند باید پس از آن عمره مفرده نیز انجام دهند؟ حتی کسانی که نسبت بدان استطاعت نداشته باشند؟ و یا این که حج را نذر کرده اند ولی عمره را نذر نکرده اند. این شک در اصل تکلیف است و جای برائت است؛ به عبارت دیگر، اگر شک کنیم بیشتر از یک عمره مفرده واجب است یا نه، برائت جاری می شود. و ممکن است برائت به صورت دیگر نیز جریان پیدا کند و آن این که شک می کنیم کسی که وظیفه اش حج قران و یا افراد است در صورتی که عمره مفرده را انجام داده باشد، بار دوم نیز واجب است. این مورد مصداق

کسانی بر این باور بوده‌اند؛ از جمله شهید می‌نویسد:

«زمان عمره مفرده واجب، به اصل شرع، پس از انجام اعمال حج و گذشت ایام تشریح است.»^{۳۲}

این مسأله در ضمن سه بخش بررسی می‌گردد.

۱ - پیشینه بحث

در میان نام‌آوران فقه، بسیاری از بزرگان نیز بر این باور بوده‌اند که عمره مفرده واجب، لازم است پس از حج افراد و یا قران انجام گیرد؛ به عنوان نمونه:

شیخ طوسی در این باره می‌نویسد:

«شخصی که حج قران انجام می‌دهد، پس از انجام اعمال آن، از احرام خارج می‌شود و بر اوست انجام عمره مفرده پس از حج قران.»^{۳۳}

قاضی ابن‌بزاج تصریح می‌کند که عمره مفرده باید پس از حج باشد. او می‌نویسد:

«لازم است بر کسی که حج قران انجام می‌دهد، پس از آن، عمره مفرده به‌جا آورد.»^{۳۴}

ابن‌ادریس نیز از فقیهانی است که

آن استطاعت وجود داشته باشد؛ زیرا چه بسا به هنگام انجام حج قران و افراد برای عمره مفرده استطاعت وجود ندارد از آن جهت که حج با نذر واجب شده و عمره مفرده متعلق نذر نبوده و یا از آن جهت که عمره مفرده را از پیش انجام داده است.

بخش دوم:

وجوب تأخیر عمره از حج افراد و قران

از مباحث شایسته تحقیق در عمره مفرده این است که آیا در انجام عمره مفرده با حج قران و افراد ترتیب لازم است؟

از ظاهر عبارت بسیاری از فقها استفاده می‌شود که باید عمره مفرده پس از به پایان رساندن حج انجام گیرد، از باب نمونه علامه حلی در این باره می‌نویسد:

«صورت اعمال حج افراد عبارت است از احرام پوشیدن از میقات و یا هر جا که احرام جایز است، سپس رفتن به عرفه و مشعر و انجام مناسک روز قربانی و طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز سپس عمره مفرده.»^{۳۱}

در میان فقیهان نام‌آور پیشین نیز

عمره مفرده را پس از حج افراد واجب می‌داند و می‌افزاید:

«پس از انجام مناسک لازم است کسی که حج قران و افراد انجام می‌دهد به سوی مسجد تنعیم و یا یکی دیگر از میقاتها خارج گردد و از آنجا برای انجام عمره مفرده محرم گردد.»^{۳۵}

علامه حلی در شرایط نیز بر این مطلب تصریح می‌کند و می‌نویسد:

«بر کسی که حج افراد انجام می‌دهد، عمره مفرده پس از آن واجب است.»^{۳۶}

از آن جهت که بسیاری از فقیهان صدر اول، در وجوب عمره مفرده همراه با حج افراد و قران سکوت کرده‌اند، در نتیجه بحث وجوب تأخیر عمره از حج افراد و قران نیز در کلمات آنها مطرح نشده است.

۲- ادله واجب نبودن تأخیر عمره

درباره وجوب تأخیر عمره مفرده، (در صورت واجب بودن) از حج افراد و قران، برخی از فقها بر این باورند که به طور حتم و یقین، واجب نیست عمره مفرده پس از حج قران و یا افراد بجا آورده شود. بلکه ممکن است پیش از آن انجام گیرد بر این مدعا ممکن است به ادله‌ای استدلال شود؛ از جمله:

الف: روایات

در میان ادله دال بر وجوب، به ویژه روایات، روایتی که دلالت کند بر وجوب ترتیب، یافت نشد. بلکه تمامی آنها مطلق‌اند. یعنی با انجام عمره پیش از حج و پس از آن سازگارند. افزون بر اینها شیخ صدوق روایتی را نقل می‌کند که در آن تصریح شده تخیر میان حج و عمره:

۱- «وقال أمير المؤمنين عليه السلام أمرتم بالحج والعمرة فلا تبالوا بأيهما بدأتم.»
«علی علیه السلام فرموده است: «شما به انجام حج و عمره فرمان داده شده‌اید فرقی نمی‌کند به هر کدام آغاز کنید.»

دلالت روایت بر مدعا، تمام است. چون صریح است در تخیر و اما از نظر سند بر مبنای کسانی که فرق می‌گذارند میان مرسلات شیخ صدوق - که با «قال» شروع شده باشد که در این صورت روایت معتبره است - و روایاتی که با «رؤی» شروع شده باشد که حجت نیست.

۲- روایت یمانی از امام صادق علیه السلام:

«إنه سُئِلَ عن رجل خرج في أشهر الحج مصمراً ثم خرج الى بلاده قال لا بأس وإن حج من عامه ذلك و افراد الحج فليس عليه دم وإن الحسين بن



سالی و دیگری را در سال دیگر انجام دهند.»^{۳۹}

ب: اصل برائت:

و اگر دلیل لفظی بر جواز تخیّر نداشته باشیم و شک کنیم در این که آیا ترتیب شرط است در صحت عمره مفرده یا شرط نیست، برائت از وجوب و نیز اصل عدم اشتراط تأخیر عمره از حج جریبان دارد و وجوب ترتیب و تأخیر عمره را از حج نفی می‌کند. برخی از فقها تصریح کرده‌اند که دلیلی بر لزوم تقدیم عمره مفرده بر حج افراد و قرآن نداریم. در این باره مرحوم آیه‌الله خویی می‌نویسد:

«معروف میان فقها این است که حج افراد پیش از عمره مفرده... باشد و برخی بر این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند و اما روایات لزوم تأخیر عمره مفرده از حج افراد استفاده نمی‌شود.»^{۴۰}

بنابر این، با عنوان دلیل و دست کم شک در آن، جای برائت است.

۳- دلیل بر وجوب تأخیر عمره

بزرگانی که بر این باورند، برای اثبات آن به اجماع استدلال کرده‌اند. فاضل

علی علیه السلام خرج يوم التروية إلى العرقا وكان معتمراً.»^{۳۷}

«امام صادق نسبت به مردی که در ماههای حج عمره مفرده انجام داده و به وطنش برگشته، فرموده است، اشکالی ندارد و اگر در همان سال حج افراد انجام دهد قربانی لازم ندارد و امام حسین روز هشتم از مکه خارج شد در حالی که عمره مفرده انجام داده بود.»

روایت دلالت دارد بر این که جایز است پیش از حج افراد، عمره مفرده انجام گیرد؛ همانگونه که امام حسین علیه السلام انجام داده است.

از نظر سند، چنانچه محمد بن اسماعیل، ابن‌نریع باشد، روایت معتبره است.

۳- روایاتی که دلالت دارد، حج افراد و عمره مفرده با همدیگر ارتباط ندارند، بلکه آنها دو واجب مستقل هستند، بر این مطلب نیز دلالت دارد.^{۳۸} آیه‌الله خویی می‌نویسد:

«روایات فراوانی بر واجب نبودن ترتیب میان عمره مفرده و حج افراد و قرآن دلالت دارد از جمله روایاتی که دلالت دارد بر مرتبط نبودن عمره با حج از این رو جایز است یکی را در

هندی پس از تقسیم عمره به عمره تمتع و مفرده می‌نویسد:

«عمره مفرده آورده می‌شود پس از به پایان رسیدن حج و بر این مطلب اجماع قولی و فعلی وجود دارد.»^{۴۱}

نقد و بررسی

ادعای اجماع در این مسأله از نظر صفرا و کبرا مخدوش است؛ زیرا بسیاری از فقها قائل به تخییرند و وجوب ترتیب را نپذیرفته‌اند.

صاحب جواهر پس از نقل روایات در این باره می‌نویسد:

«این روایات و روایات دیگر، دلالت دارد بر واجب نبودن ترتیب و تأخیر عمره از حج، بلکه جایز است تقدیم آن بر حج افراد.»^{۴۲}

در جای دیگر می‌فرماید:

«اطلاق کتاب و سنت بلکه خبر مرسل اقتضای کند که جایز است تقدیم عمره (مفرده) بر حج.»

صاحب مدارک تصریح می‌کند که: «جایز است عمره و حج در یک سال انجام پذیرد.»

در میان روایات چیزی که دلالت کند بر ارتباط «عمره» به «حج»، وجود ندارد و نیز روایات دلالت ندارد بر اعتبار وقوع این دو یک سال.^{۴۳}

آیه‌الله خویی نیز در مناسک می‌فرماید:

«عمره مفرده و حج مانند عمره تمتع و حج نیست تا لازم باشد آن دو در یک سال انجام گیرند بلکه جایز است هر یک از اینها در دو سال انجام گیرد.»^{۴۴}

از اینها گذشته، این اجماع بر فرض تمام بودن آن احتمال مدرکی بودن آن می‌رود.

جمع بندی

معلوم شد بر فرض وجوب عمره مفرده، همراه با حج افراد و قران، دلیلی بر وجوب تأخیر آن از حج نیست بلکه دلیل بر واجب نبودن تأخیر وجود دارد.



• پانوشته:

- ۱- محقق حلّی، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، ص ۲۳۸، منشورات اعلمی.
- ۲- اعلم أن الحج علی ثلاثة أوجه: قارن و مفرد للحج و متمتع بالعمرة الی الحج. شیخ صدوق، مقنعه، ص ۲۱۵، کتاب الحج، مؤسسه امام هادی.
- ۳- المقنعه، شیخ مفید، ص ۲۵، جامعه مدرسین.
- ۴- سید مرتضی علم الهدی، الجمل و العمل (همراه با ینابیع الفقیه، ج ۷)، ص ۱۰۴
- ۵- سید مرتضی علم الهدی، المسائل الناصریات (در ینابیع الفقیه، ج ۷)، ص ۱۲۷
- ۶- ابن اصلاح حلبی، کافی فی الفقه، ص ۱۹۱، مکتبه امیرالمؤمنین.
- ۷- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۱۱، مکتبه مرتضوی.
- ۸- مراسم العلویه، (در ضمن ینابیع الفقیه، ج ۷) سلار، ص ۲۳۷
- ۹- قاضی ابن براج، المهذب، ص ۲۱۰، جامعه مدرّسین.
- ۱۰- ابن حمزه، الوسيله، ص ۱۹۵، منشورات کتابخانه آیةالله نجفی.
- ۱۱- ابن ادریس، کتاب السرایر، ج ۱، ص ۵۲۳، جامعه مدرسین.
- ۱۲- محقق حلّی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۸، منشورات اعلمی.
- ۱۳- شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۸
- ۱۴- مبسوط، ج ۱، ص ۳۱۱
- ۱۵- آیةالله گلپایگانی، کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۸، مطبعة خيام.
- ۱۶- جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۷- قواعد الاحکام، در ضمن کشف اللسام، ج ۶، ص ۲۹۱.
- ۱۸- جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به اکتبهای مفصل، از جمله مستند العروه، ج ۱، ص ۱۳
- ۱۹- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۰، باب ۱ از ابواب العمره، ج ۲، ص ۲۳۵
- ۲۰- همان مدرک، ج ۵، ص ۲۲۶
- ۲۱- همان مدرک، ج ۸، ص ۲۳۷
- ۲۲- کشف اللسام، ج ۶، ص ۲۹۱
- ۲۳- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۴۱
- ۲۴- وسایل الشیعه، ج ۷، باب ۲۳ از ابواب المواقیت، ج ۲، ص ۲۳۷
- ۲۵- وسایل الشیعه، ج ۱۰، باب ۲ از ابواب العمره، ج ۲، ص ۲۳۸
- ۲۶- همان مدرک، ج ۳
- ۲۷- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۴، ج ۶۶۷، دار الکتب الاسلامیه.

- ۲۸- مجلسی اول، روضة المتقين، ج ۲، ص ۱۲۲، کوشانیور.
- ۲۹- کشف السام، ج ۶، ص ۲۹۱
- ۳۰- المعتمد، ج ۳، ص ۲۷۳
- ۳۱- علامة حلی، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۷۲، منشورات رضی.
- ۳۲- دروس، شهید.
- ۳۳- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۱۱، مکتبه مرتضوی.
- ۳۴- ابن حمزه، الوسيله، ص ۱۹۵، منشورات کتابخانه آية الله نجفی.
- ۳۵- ابن ادریس، کتاب السراير، ج ۱، ص ۵۲۳، جامعه مدرسين.
- ۳۶- محقق حلی، شرايع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۸، منشورات اعلمی.
- ۳۷- وسایل الشیعه، ج ۱۰، باب ۷ از ابواب العمره، ج ۲، ص ۲۴۶
- ۳۸- این دسته از روایات زیاد است از جمله روایت ۱ و ۲ و ۵ و ۷ و ۸ از باب ۱ از ابواب عمره. رجوع شود.
- ۳۹- المعتمد، آية الله خویی، ج ۳، ص ۲۱۲
- ۴۰- آية الله خویی، المعتمد، ج ۳، ص ۲۷۴
- ۴۱- فاضل هندی، کشف السام، ج ۶، ص ۲۹۲، جامعه مدرسين.
- ۴۲- جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۶
- ۴۳- سید علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۵۹، آل بیت.
- ۴۴- آية الله خویی، المعتمد، ج ۳، ص ۲۱۰، مسأله ۴